

**ترکیه اعلام کرد نزدیک به دو سال بعد از نسل‌کشی در فلسطین می‌خواهد روابط تجاری با صهیونیست‌ها را قطع کند**

# دیرآمدی ای نگار سرمست

هاکان فیدان، وزیر امور خارجه ترکیه اعلام کرد که کشورش تصمیم گرفته روابط اقتصادی و تجاری با رژیم صهیونی را به‌طور کامل قطع کرده و حریم هوایی خود را هم به روی هواپیماهای این رژیم ببندد. فیدان می‌گوید که سیاست‌های رژیم صهیونی به فراتر از غزه، به قفس، کرانه باختری، سوریه، ایران و لبنان رسیده و اجازه ندادن ورود کمک‌ها به غزه باعث کشته شدن هزاران فلسطینی شده است. به نظر می‌رسد این واکنش شدید لفظی ترکیه ناشی از حملات نظامی اخیر صهیونیست‌ها به پایگاه‌های نظامی حکومت جولانی در جنوب سوریه باشد. رسانه‌های عبری گزارش داده‌اند این حملات پایگاه‌ها و تجهیزات حساس نصب‌شده توسط ترکیه را هدف گرفته‌اند. باید دید آنکارا واکنشی سریع و احساسی در نظر نشان داده یا واقعاً به دنبال مهار تل آویو است.



#### نکات

**۱** ترکیه بارها اعلام کرده قصد دارد روابط تجاری خود با رژیم صهیونی را قطع کند؛ اما ره‌بار گزارش‌های مختلفی منتشر شد که نشان می‌داد این روابط نه‌تنها متوقف نشده بلکه در حال رشد هستند. در برخی مقاطع ترکیه برای پوشش تجارت خود از واسطه‌ها بهره گرفته است؛ به عنوان نمونه کالاهای به‌تجار فلسطینی مرتبط با تشکیلات خودگردان فروخته شده و آن‌ها محموله را در بندر حیفا تحویل می‌گیرند. این تِجار سپس کالاهای را مجدداً به صهیونیست‌ها می‌فروشد.

**۲** ترکیه برای مهار تحرکات رژیم صهیونی در منطقه که با ابزار نظامی صورت می‌گیرد، می‌تواند ابتدا آزادی عمل صهیونیست‌ها در بهره‌گیری از زیرساخت‌های ناو در خاک خود که

# ۶ برداشت از تیر آخر اروپایی‌ها

**ادامه از صفحه یک**

**۲** طبق نقشی که برای اروپا تعریف کرده‌اند بعید است که چیزی جز تعطیل کامل صنعت هسته‌ای، کشورهای اروپایی را از این مسیر بازگرداند. همان چیزی که رژیم صهیونی و آمریکا نتوانستند در خلال جنگ تحمیلی ۲۲روزه از ایران بگیرند، حالا می‌خواهند از طریق دیپلماسی زور پیگیری شود. علت هم این است که اسنپ‌بک تنها امتیاز و اهرم فشار اروپا در دنیایی است که این کشورهای استعماری سابق و ناتوان امروز در دست دارند. آن‌ها سه راه پیش‌روی خود دارند: تنها اهرم را به ایران تحویل دهند و از آن استفاده نکنند (و نقششان تصام شود)؛ آن را تمدید کنند تا در طول زمان از این اهرم استفاده ببرند؛ یا یک بار برای همیشه از این ابزار استفاده کنند و آن را از دست بدهند؛ اما از آمریکا امتیازی دریافت نمایند. منطقی این است که ترویتیکای اروپایی گزینه اول را کاملاً کنار بگذارد. گزینه دوم نیز صرفاً با تأیید یا فشار آمریکا ممکن است. گزینه سوم باقی می‌ماند که فعلاً در مسیر اجراست. با این توصیفات، مذاکرات بی‌نتیجه با اروپا و امتیاز دادن به آن‌ها در حد بازرسی آژانس نمی‌تواند جلوی

اسنپ‌بک را بگیرد. پس کشور باید آماده مرحله بعدی باشد.

**۳** قبلاً توضیح داده شده که اسنپ‌بک در مسائل اصلی اقتصاد ایران اثر اساسی نداشته و ندارد. صادرات نفت ایران بیش از ۲۰۷ میلیون بشکه است، ولو آمار رسمی عددی کمتر را نشان بدهد. همچنین خریدار اصلی یعنی چین، تحریم آمریکا را به جان خریده و نیازمند نفت ایران برای توازن در سبدهای وارداتی خودش است. در حوزه ارزی و واردات هم فشار بیشتر از این نمی‌تواند بشود. آمریکا تا جایی که توانسته فشار آورده، مگر اینکه بخواهد مسیر دبی را ببندد و از بار روانی اسنپ‌بک استفاده دیگری بکند؛ امری که فارغ از تحریم‌های سازمان ملل است و به طرح وااشنگتن برمی‌گردد.

**۴** در عرصه سیاسی و حقوقی اما تغییرات قابل توجهی رخ می‌دهد. گرچه دنیای امروز، دنیای کم‌اثری سازمان ملل و تضعیف حقوق بین‌الملل است، اما تلاش می‌کنند با بازنامایی فضایی خاص از تحریم‌ها در حوزه سلاح مانع تراشی حقوقی کنند. البته با توجه به جنگ ۱۲روزه، بسیاری از آن کارکردها بی‌معناست.

**۵** این یک لحظه انتخاب و بیداری برای نظام حکمرانی است. اینکه توافق حقوقی-سیاسی «آن‌طور که بر جام بود» نمی‌تواند چندان کارآمد باشد. آنچه در دنیای امروز کار می‌کند و احتمالاً پایداری بیشتری دارد، توافقی مبتنی بر اقتصاد سیاسی با انتفاع سیاسی دوطرف است؛ توافقی همراه با قراردادهای واقعی روی زمین که معناهای استراتژیک و کلان داشته باشد. ایران در تمام سه دهه گذشته هیچ توافق واقعاً راهبردی با هیچ کشوری اعم از منطقه یا جهان نداشته است. توافق‌های حقوقی با چین و روسیه نیز ناکارآمدی خود را به رخ همگان کشانده‌اند. مشکل اینجاست که ایده‌ای ایجابی برای تولید معناهای گسترده و واقعی که به قراردادهای روی زمین منتهی شود، تولید نشده است. ماهیچ زمان با هیچ طرفی در دنیا مذاکره واقعاً راهبردی نداشته‌ایم. برای مثال، به چین نفت فروختیم اما حساب سرمایه خود در این کشور را به درستی تنظیم نکردیم یا قراردادهای دیگری در این زمینه نستیم که در یک کلیت یکپارچه تبدیل به امری راهبردی و اتصال استراتژیک دو اقتصاد به هم بشود. درباره روسیه هم همین‌طور است. ماقبل از جنگ اوکراین به آن‌ها پهباد دادیم و از آن‌ها تجهیزات پدافندی

## ششم: خوانشی از جنگ اسرائیل – ایران و پیامدهای منطقه‌ای آن

جنگ اسرائیل علیه ایران چگونه خوانده می‌شود و سناریوهای محتمل آن چیست؟

جنگ اسرائیل علیه ایران از سوی کسانی که آن را انجام دادند، همان‌طور که تبلیغ می‌کنند به‌عنوان جنگی existence خوانده می‌شود که هدف آن نابودی یا به تأخیرانداختن توانایی هسته‌ای ایران، تضعیف نفوذ منطقه‌ای آن و ارسال پیام بازدارندگی به متحدانش است. اما در حقیقت، این جنگ بین پست راهبردی اسرائیل را نیز آشکار می‌کند؛ چراکه رویارویی مستقیم با ایران ممکن است نهادگان تجاوزگر را برای همیشه درهم بشکند، علاوه بر این که ممکن است جبهه‌های متعددی گشوده شود که کنترل آن‌ها دشوار باشد.

**پاسخ درخشان ایران**

ایران با یک سامانه یکپارچه پاسخ می‌دهد:

■ موشک‌هایی با سرعت و قدرت تخریب فوق‌العاده و پهبادهایی که عمق اسرائیل را هدف می‌گیرند.

■ فعال‌سازی جبهه‌های مقابله در لبنان، غزه، یمن و عراق

■ حملات سایبری بر زیرساخت‌های حیاتی

■ حرکت سیاسی و دیپلماتیکی که انزوای اسرائیل را در سطح بین‌المللی تقویت می‌کند.

در نتیجه، پاسخ ایران به نظر من درخشان است، زیرا نه‌تنها بر رویارویی مستقیم قوی و توانمند تکیه دارد، بلکه اگر بخواهد، قادر است جنگ را به یک درگیری چندجبهه‌ای تبدیل کند که اسرائیل را از نظر سیاسی، اقتصادی، نظامی و مدنی فرسوده کند.

**نتیجه‌گیری:** معادله راهبردی تغییر کرده است؛ اسرائیل دیگر طرف واحدی نیست که قادر به تحمیل شرایط خود باشد و ایران توانایی خود را بازدارندگی هولناک را به اثبات رسانده و با قدرتی کامل که دشمنان آن را محاسبه نکرده بودند، هر ماجراجوی اسرائیلی را بسپار پرزینته، بلکه زبان‌بار کرده و ممکن است زبان آن تا ابد باشد.

## هفتم: سناریوهای آینده

با در نظر گرفتن داده‌های زیر:

■ **تداوم مقاومت:** مقاومت همچنان برجسته‌ترین کششگر در مقابله با اشغال باقی خواهد ماند.

■ **افزایش انزوای اسرائیل:** هرچه جنگ طولانی‌تر و جنایات اشغال بیشتر شود، محکومیت‌های بین‌المللی افزایش‌یافته و مشکلات داخلی بیشتر می‌شود.

■ **موازین جدید:** تحولات جاری ممکن است منجر به بازسازی نظام منطقه‌ای شود، با ارتقای نقش محور مقاومت (برخلاف آنچه برخی به دلیل عامل سوری می‌پندارند) و نزدیکی بی‌سابقه عربی-اسلامی.

براین اساس، می‌توان این پرسش را مطرح کرد: کل این منطقه به کجا می‌رود؟

از طریق خوانش داده‌های کنونی، می‌توان گفت آینده پیش روی منطقه بر دو سناریوی اصلی گشوده است:

■ **جنگ‌های بیشتر (سناریوی تشدید)**

■ **علل محتمل:** تداوم سیاست‌های گسترش‌طلبی اسرائیل و Attempt آن برای تحمیل پروژه اسرائیل بزرگ.
■ درگیری شدید با ایران، به‌ویژه اگر از «پایام‌های حساب‌شده» فراتر رود، زیرا ایران در دفعه قبل قوی‌ترین توان خود را به کار نگرفت،

دولت‌های مسلمان باید شرکت‌های خود و شرکت‌هایی را که در آن سهام و نفوذ دارند از همکاری با رژیم صهیونی به طور کلی منع کنند.

**۵** اگر رژیم صهیونی با تحریم کالا و انرژی روبه‌رو بشود، تنها با افزایش هزینه مواجه نخواهد شد بلکه مجبور می‌شود بخشی از توان فکری و ظرفیت دولست، ارتش و لابی‌های خود را صرف یافتن منابع جدید کند.

**۶** درست در بوجوه جنگ و احتمال حمله به شهر غزه برای اشغال کامل منطقه نوار غزه، دولت مصر قرارداد ۳۵ میلیارد دلاری برای خرید گاز از صهیونیست‌ها امضا کرد. به‌عبارتی در طول جنگ طوفان الاقصی روابط اقتصادی کشور مسلمانی مثل مصر با صهیونیست‌ها بیشتر از قبل شد.

گرفته‌ایم، اما قراردادهای نفتی، گازی یا کربدوری ما با آن‌ها هیچ زمان واقعاً راهبردی نبوده که منتج به اتصال و وابستگی دوطرفه اقتصادها به هم بشود. همین وضعیت درباره عراق، که به‌گاز و برق ما نیازمند بوده و است هم وجود دارد.

**۶** آنچه ما را از این وضعیت بیرون می‌آورد، ایده‌ای ایجابی و طراحی واقعی است. مذاکره بی‌نتیجه با اروپا یا دست‌وپا زدن در پرونده‌های سطحی و سلبی مانند اسنپ‌بک تنها ما را محدود می‌سازد. باید از گل‌ولای مسائل روزمره خارج شوی و چشم‌اندازی برای آینده میان‌مدت بسازیم، وگرنه این گل‌ولای آن چنان ما را در خود فرو می‌برد که جز شکست و افزایش بحران‌ها چیزی عایدمان نمی‌شود. اشتباه دستگاه حکمرانی این است که می‌خواهد مسائل مختلفش را جدا از هم حل کند. اسنپ‌بک، ناترازی برق و گاز، افزایش نرخ ارز، احتمال جنگ و... را نمی‌توان جزء به جزء حل کرد. باید راه‌حلی یکپارچه ساخت و همه را در یک زنجیره حل کرد. چنین راه‌حلی وجود دارد و البته باید با نظر مقامات مسئول و مذاکره واقعاً راهبردی بخته شود.

بنابراین توان ویرانگر ایران قادر به درهم شکستن نهادگان تجاوزگر است و هیچ‌مجال مقایسه‌ای بین دو نیرو وجود ندارد؛ از نظر توانایی نظامی، منابع انسانی و طبیعی، و اتحاد مردمی ایران که به نیرویی تبدیل شده است که همگان را شگفت‌زده کرده است. در نتیجه ایران به ضربات مقابل رضایت نخواهد داد. شکوه درخشان ایران به هیچ‌کس اجازه ادامه آزار، اذیت یا آسیب‌رسانی به خود را نمی‌دهد، بنابراین هر ضربه‌ای به ایران، جهنمی را به‌سوی دشمنانش، به‌ویژه علیه نهادگان تجاوزگر اسرائیلی، آزاد خواهد کرد که چیزی را باقی نخواهد گذاشت.

■ **اصرار مقاومت فلسطینی، لبنانی و یمنی** بر پیوند سرنوشت خود با یکدیگر در مقابله با اشغال
■ **رقابت نفوذ بین قدرت‌های بین‌المللی** (آمریکا – روسیه – چین) و تبدیل منطقه به عرصه آزمایش.

■ **نتیجه:** احتمال شعله‌ورشدن یک جنگ گسترده منطقه‌ای که جبهه‌های متعددی (غزه، لبنان، سوریه، یمن و عراق) را می‌گشاید.
■ **موج جدید آوارگی و تنش‌های اقتصادی** جهانی به دلیل تهدید کشتیرانی و نفت.

**۲** **ثبات بر آتش زیر خاکستر (سناریوی توازن نگران)**

■ **علل محتمل:** درک همه طرف‌ها از این که هزینه جنگ همه‌جانبه فاجعه‌بار خواهد بود.

■ **فشارهای بین‌المللی عظیم** (به‌ویژه از چین، روسیه و اتحادیه اروپا) برای تنظیم مجدد
■ **تمایل برخی کشورهای عربی** به تمرکز بر اوضاع داخلی و اجتناب از لغزیدن به درگیری‌های جدید
■ **موفقیت ایران و مقاومت** در تحمیل «معادله بازدارندگی» که اسرائیل را وادار می‌کند هزار بار قبل از هر ماجراجویی گسترده‌ای بپندیشد.
■ **نتیجه:** باقی‌ماندن وضعیت به‌صورت متشنج، اما بدون جنگ همه‌جانبه، با تداوم درگیری‌های محدود و تنش‌های رسانه‌ای و سیاسی.
■ **ترسیم درجیحی** یک نقشه منطقه‌ای جدید، جایی که قدرت‌محور مقاومت افزایش‌یافته و تصویر اسرائیل به طور مستمر در سطح بین‌المللی فرسوده می‌شود.

## نتیجه‌گیری موردانتظار

محتمل‌تر در کوتاه‌مدت و میان‌مدت، ثبات بر آتش زیر خاکستر است، با تداوم زد و خوردها و جنگ‌های کوچک، اما بدون شعله‌ورشدن یک رویارویی همه‌جانبه منطقه‌ای، مگر اینکه دشمن صهیونیست مرتکب یک اشتباه راهبردی بزرگ شود (مانند یک ضربه نظامی بزرگ علیه ایران، به‌گونه‌ای که ایران در پی درهم شکستن نهادگان دشمن اسرائیلی برآید.)

زیرا منطقه اکنون وارد مرحله «توازن بازدارندگی متقابل» شده‌است؛ هیچ‌کس قادر به حمله نیست و هیچ‌کس قادر به عقب‌نشینی کامل نیست.

در خاتمه، خاورمیانه در تقاطع راهی تاریخی ایستاده است. رویارویی دیگر صرفاً یک واکنش نیست، بلکه به وجودی فعال تبدیل شده که معادلات جدیدی را تحمیل می‌کند و اسرائیل، علی‌رغم قدرت نظامی‌اش، با انزوای بین‌المللی و یک بن‌بست راهبردی افزایش‌دهنده روبه‌رو است. اما ایران، با موفقیت خود را به‌عنوان یک قدرت منطقه‌ای شکست‌ناپذیر تثبیت کرده که نمی‌توان از آن عبور کرد. آینده بر همه احتمالات گشوده است، اما مسلم اینکه زمان‌برتری مطلق اسرائیل به پایان رسیده و منطقه به سمت موازین جدیدی در حرکت است که نقشه سیاسی و راهبردی آن را بازترسیم می‌کند.

# فرهنگ‌نگار

# جایگاه

شنبه ۸ شهریور ۱۴۰۴

شماره ۴۴۹۴

FARHIKHTEGANDAILY.COM

FARHIKHTEGANONLINE

۱۵